



شعر افشین علا برای شهید اصلی

زخمی شد از چاقوی کین بال پرستو در حرم

افشین علا برای دو طلبه شهید جهادگر مشهدی که اخیراً در صحن امام رضا(ع) به شهادت رسیدند به طور جداگانه اشعاری را سروده است. به گزارش «جوان» بعد از حادثه تروریستی مشهدالرضا،افشین علا شعری با عنوان «بر زانوان رضاع)» را در وصف شهید حجت‌الاسلام اصلی سرود.

کرده‌ست آیا شاه دین از کربلا رو در حرم؟
شد ظهر عاشورا به پافریارس کو در حرم؟
در صحن ماه هشتمین افتادگان بین بر زمین زخمی شد از چاقوی کین بال پرستو در حرم
یاران زهر را انگر افتاده در خون و خطر بازو به بازو، رخ به رخ، پهلو به پهلو در حرم غمگین دل فولاد شد، آشفته گوهرشاد شد
بی آبرو صیاد شد از صید آهو در حرم
شد جان اصلی فدا افکند دستار و قبا
گیرد سرش را تا زها بر روی زانو در حرم
سروی سهی شد واژگون سلطان توس اما کنون شوید به دست خویش، خون زان روی دلجو در حرم
چون رهسپار عرش شد بال ملائک فرش شد
آن خون جاری نقش شد یا آب و جارو در حرم
دور حرم بر می‌زند بر چون کبوتر می‌زند
هر شب جو اختر می‌زند تا حشر، سوسو در حرم
چون مرگ باشد زخمتی یا شاه خویان، خلوتی
خوش تر چه باشد ضربتی از تیغ ابرو در حرم؟
او فرق خون در عشق شه، من غرقه اما در گنه
هر کس رسد مرگش ز ره من در حرام، او در حرم

■ **شعر علا برای دومین شهید حرم رضوی**

همچنین در پی شهادت دومین کبوتر خونین بال حرم رضوی، شهید دارایی، علا سروده‌ای را تقدیم این شهید عزیز کرد.

بر زمین فرشی از ستاره رسید
گوی بی عرش، گلواره رسید
کاروانی که دیدی آمده بود
امشب از آسمان دوباره رسید
هودجی از فلک فرود آمد
وقت کوچ دگر سواره رسید
یار جانمادهای به همسفرش
فارغ از شک و استخاره رسید
خواست او هم نظر کند به رضاع)
پس به او شمع، آوازه، اشاره رسید
چون طبیب از علاج عاجز ماند
نسخه از غیب نهر چاره رسید
غافلان! باز وقت غفلت شد
نظران! نوبت نظاره رسید
سنگدل! لعنت که بزن که به گوش
ناله از گنبد و مناره رسید
سفره انقلاب سیری چنند؟!
چه به آن قد، از این قواره رسید؟
به شهید از مقام و دارایی
فقط این جسم پاره باره رسید
صاحبان گهر به خون فختند
گر غنیمت به سنگ خاره رسید
تا به کی شرح کشته‌گان گویم؟
سوخت جانم ز بس شراره رسید
سیرم از عمر خویش بس که به دل
داغ، آفرزون تر از شماره رسید
مرگ خوش تر ز شاعری، که که لب لب
جان تشبیه و استعاره و رسید...

جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
مدیرعامل و مدیر مسئول:محمدجواد اخوان
سر دبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
قاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۸
روابط عمومی:۸۸۴۹۸۴۴۸،نمابر:۶-۸۸۸۴۵۶۳۴۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۴۹۸۴۷۶
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۴۵۶ | شنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۱ | ۷ رمضان ۱۴۴۳ | اذان ظهر: ۱۳:۰۶ | غروب آفتاب: ۱۹:۳۲ | اذان مغرب: ۱۹:۵۱ | نیمه شب شمعی: ۰۰:۲۲ | اذان صبح فردا: ۵:۱۲ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۳۹

سیدمسعود شجاعی طباطبایی در گفت‌وگو با «جوان»:

نادانی‌ها عامل دشمنی با آوینی بود

و این بار به مناطق جنگی و محل تحفص شهدا برود. آن زمان که روایت فتح دوباره رانندازی شد، آوینی اینقدر خوشحال بود که انگار عروسی گرفته است! در چهارماش شادی نمایان بود.

چرا روایت فتح تا این‌سن حد ماندگار شده‌است؟

چون شهید آوینی آن را با عشق می‌ساخت. به متن نریشم‌های روایت فتح توجه کنید! معلوم نیست، شعر است! حکمت است یا عرفان! بلکه همه آنها را در بر دارد. ابتدا عده‌ای تصور می کردند این متن‌ها را شخص دیگری می نویسد. بعضی به اشتباه خیال می کردند محمد نوری‌زاد که آن موقع هنوز تغییر عقیده نداده بود، این متن‌ها را می‌نویسد! بچه‌های روایت فتح می گفتند شهید آوینی وقتی پشت میز کارش می‌نشست و متن را می‌نوشت، نوشتن همراه با اشک می‌شد و آنچه در قلبش می‌گذشت را به تحریر در می‌آورد.

خاطره خاصی از همکاری با شهید آوینی در خاطر دارید؟

خاطره که زیاد است. او همیشه به من و کارم لطف داشت. وقتی مرا می‌دید، می‌گفت: «آقا

سید، بیا ببینم چه کار ده‌ای و از کاریکاتورهای چه خبر؟!» من هم کارهایم را به او نشان می‌دم. جالب اینجا بود که همیشه نگاه ایشان با بقیه فرق داشت. خاطرم است روزی یک طرح کشیدم که یک ماکه در درون تنگ است و تنگ در درون فضای مانند دریا قرار دارد. به نظر خودم یک کار «فان» بود و صرفاً نگاه طنز

داشتم. وقتی شهید آوینی این طرح را دید، گفت: «چه طرح پر مفهومی کشیدی آقا سید! این ماهی ما هستیم و این جدار، تنگ همان زندگی ماست و بیرون آن اقیانوسی از معرفت است، ما باید هر چرتی کنیم که بتوانیم از پس این جدار به اقیانوس برویم.»

شهید آوینی دستور داد در صفحه‌دم نشریه سوره این طرح کار شود. ایشان در تصاویر به چیزهایی توجه می‌کرد که ما نسبت به آن غافل بودیم. اینها ناشی از روح بزرگ سید بود.

از بسته شدن نشریه «سوره» چیزی در خاطر تان است؟

روی جلد نشریه سوره، عکسی از جوان خوش تیپ بوستانی چاپ شد که یک سر بند مانند سربندهای جبهه داشت. وزیر ارشاد وقت گفت، این توهین به جبهه است و دستور توقیف مجله را داد. البته این کار خود هنری است و هم مشکلات زیادی برای مجله درست کرده بود و به دنبال بستن مجله بود.

واکنش شهید آوینی به این کار چه بود؟

خیلی مصمصانه برخورد کرد. گفت: «آنها هم بچه‌های انقلاب هستند! آیا باید از بچه‌های انقلاب شکایت کنم؟» سید با سکوتی همراه با معصومیت با این ماجرا برخورد می‌کرد. در آن دوره دشمنی‌ها با او زیاد می‌شد. یادم است قبل از شهادت ایشان با محمدحسین تیرومند به دیدن یکی از چهره‌ها

فتح به او گفت: این‌ آوینی هم از دست رفت است و آدم غریب‌زده‌ای شده. همین شخص بعد

از شهادت آوینی و در حضور مقام معظم رهبری در حوزه هنری، حسایی منتقل شده بود. آنها به

درستی آوینی را درک نکرده بودند.

کاربردی می‌شود.

دبیر ستاد بزرگداشت شهید آوینی در ادامه با تأکید بر این نکته که ما در مرکز مطالعات در مسیر برنامه‌ای کلی حرکت می‌کنیم، ادامه داد: «اول، تولید پژوهش و مقالات پژوهشی کاربردی در راستای نیازهای تئوریک و مدیریتی بنیاد روایت فتح که همه با گوشه چشم و الهام گرفتن از آرا و ایده‌های شهید شکل می‌گیرند، به خصوص که سعی می‌کنیم بیشتر از همکاری پژوهشگرانی استفاده کنیم که با آثار و نوگرش شهید آوینی در زمینه هنر آشنایی و به آن اشراف دارند. دوم، برگزاری محافل و نشست‌های علمی که در کنار این پژوهش‌ها این قبیل مباحث نظری و چالشی در حوزه هنر را مطرح و بررسی کنند. آن‌شاءالله بتوانیم در بزرگداشت حقیقی یک متفکر شهید و بهره‌رسانی کامل از این سرمایه فکری باارزش و بزرگ موفق شویم.

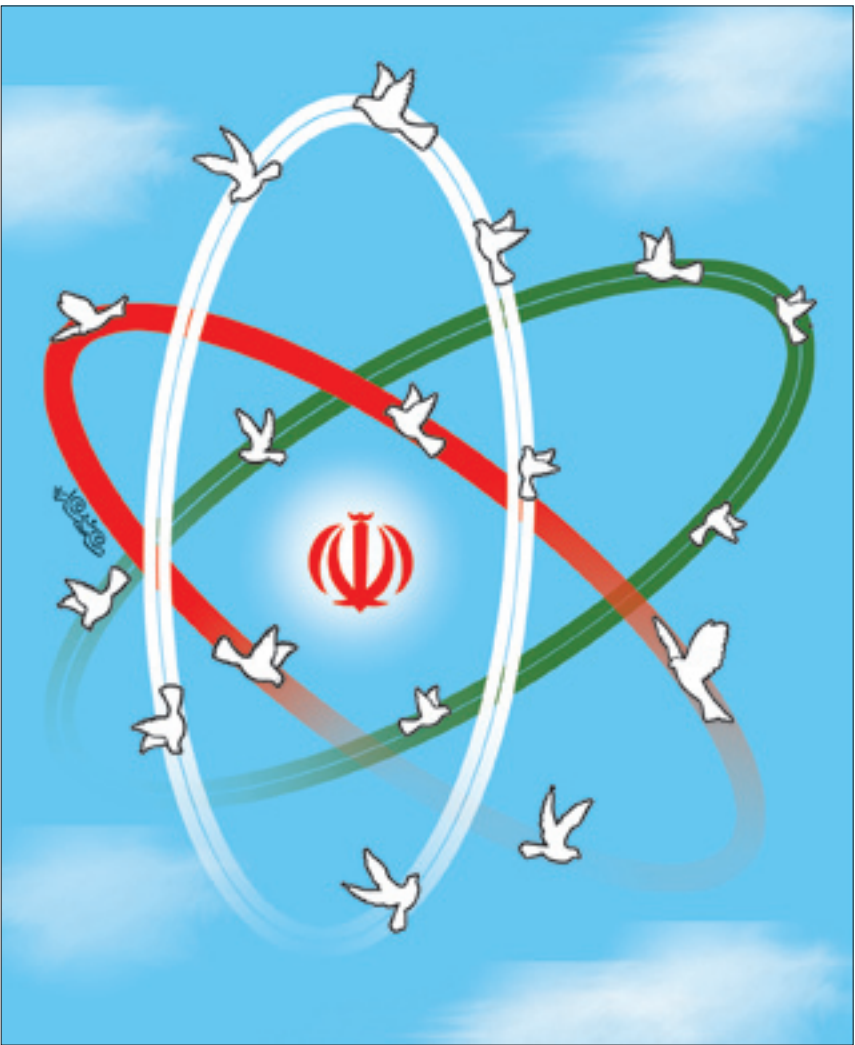
بسیست‌نهمین مراسم سالگرد شهید سیدمر تقی آوینی به همت بنیاد فرهنگی روایت فتح و همزمان با سالروز شهادت ایشان امروز در سالن خلیج‌فارس باغ‌موزه انقلاب و دفاع مقدس بر گزار می‌شود.

حکمت

پیامبر اکرم(ص):

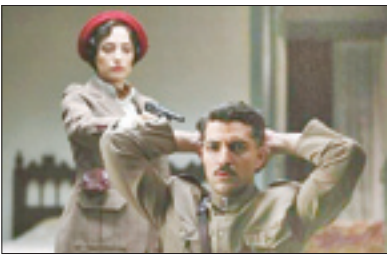
از لجبازی بپرهیز که آغازش نادانی و انجامش پشیمانی است.
«گزیده تحفالعقول»

نما | حسین کشنگار



نمایش خانگی

«خاتون» و سروشکل دقیق دراماتیک



■ **افشین علیر**

سریال خاتون در نیم‌فصل اول توانست روایت درستی از تاریخ معاصر کشورمان را نشان بدهد و در رأس آن شخصیت‌های مناسب و به‌قاعده‌ای خلق کند، یعنی یک حقیقت تاریخی با شکلی درست از آده‌ها به خصوص خاتون به عنوان یک شخصیت قهرمان محور را شاهد بودیم.

فیلمنامه و اجرا در نیم‌فصل اول از نکات مهم سریال خاتون محسوب می‌شد و اضافه کنیم که متن در موازات اجرا شکل‌گیری منظمی داشت و این روند باعث همراهی مخاطب با سریال بود اما وقفه بین نیم‌فصل اول و دوم می‌تواند باعث ضعف فیلم است.

در ۱۵قسمت دوم که روایت آن مربوط به فرار خاتون به تهران است، احساس می‌شود فیلمنامه دچار ضعف عمیقی است و دیگر قادر نیست آن جنب و جوش ابتدایی را داشته باشد. حفره‌هایی که در فیلمنامه در نیم‌فصل

دوم احساس و دیده می‌شود، به دلیل به وجود آمدن این مثلث عشقی است، میان خاتون و شیرزاد و رضا، نمونه این مثلث عشقی را به گونه‌ای دیگر یا بهتر در شهرزاد دیده بودیم.

کانسپت یا ایده مر کزی سریال در فصل دوم تحت تأثیر عشق رضا فخر به خاتون شکل می‌گیرد و در این میان

بازی کودکان‌ای از سمت شیرزاد می‌بینیم. بنابراین موضوع جنگ متفقین کم‌رنگ می‌شود و همچنین اقتدار خاتون که در فصل قبلی شاهد آن بودیم از بین می‌رود و او تبدیل می‌شود به یک زن متکی اول به دایی‌اش و در ادامه به رضا فخر/ همین منفعل شدن تدریجی خاتون آنچنان به چشم می‌آید که انگار شجاعت یا فراری بودنش از شیرزاد فقط یک اتفاق بوده و درک نمی‌شود که چرا پاکروان از رابین هود بودن رضا فخر نتوانسته برداشت مناسبی داشته باشد، به طوری که انگار برای پاکروان مسئله ایجاد رابطه عاطفی میان خاتون و رضا مسئله قابل حائز اهمیت است بی‌دست و پا بودن روس‌هاست، زیرا در تمامی این فصل ارتش روس و کمیسر رجب اف به دنبال خاتون و رضا هستند، حتی عکس رضا هم در روزنامه چاپ می‌شود اما او و خاتون به راحتی در تهران کوچک دهه ۲۰ تردد می‌کنند، فارغ از ترس و جالب است که هر بار آنها در دام ملک یا رجب اف قرار می‌گیرند به راحتی فرار می‌کنند، در چنین شرایطی نقشه کشیدن

دیدگاه

واکنش محمدکاظم کاظمی به حمله ترور بیستی مشهد

سر می‌دهیم ز مزمه‌های یگانه را



شاعر و مهاجر افغانستانی با محکوم کردن حمله ترور بیستی مشهد، مردم دو سیززمین باهم برادر را برای حفظ ثبات و آرامش در این مقطع حساس به تعادل، مدارا و تغفل دعوت کرد و نوشت: ما همه زخم‌خورده این رویدادها بودیم و همیشه از این ناحیه دسیمان مشتتر کی داشته‌ایم. از آن سوی نیز در سنگر مدافعه در برابر این دشمنان، خون هر دومت در کنار هم ریخته شده‌است.» کاظمی عملیات‌های تروریستی به این شکل را در هر دو کشور بخشی از یک برنامه بزرگ برای شکستن روحیه مردم و ایجاد

تش‌های قومی، زبانی، مذهبی و سیاسی در بین همه اهالی این منطقه از سوی دشمنان مشترک خوانده و برخی رسانه‌ها را به تلاش برای

ایجاد کدورت و حساسیت و تقابل دو ملت باهم برادر متهم می‌کند. او در این یادداشت مردم دو سیززمین باهم برادر را برای حفظ ثبات و آرامش در این مقطع حساس به تعادل، مدارا و تغفل دعوت کرده‌است. کاظمی نوشت: «ضرورت این خویشنداری و مهربانی در میان اهالی فرهنگ و دانش و به خصوص اصحاب رسانه بیشتر احساس می‌شود

و من به شخصه فضای رسانه‌ای در ایران و نیز در میان تشکل‌های فرهنگی مهاجران را مثبت و همدلانه می‌بینم.» وی از شیطنت‌های برخی رسانه‌ها و فتنه‌گری آنان برای تخریب روابط حسنه دو ملت سخن گفته و آنها را دعوت به شفافیت، صداقت و مدارا در مسیر همدلی و همدردی با مردم و حفظ اصالت خبری و رسانه‌ای کرد. کاظمی همچنین در وصف پیوند ناگسستنی دو ملت باهم برادر ایران و افغانستان چنین سروده‌است:
دیگر کسی نمانده که ترقدنمان زند
ناتی به آشکار به اینان ما نه‌د
زهری نهان به کاسه گلقدنمان زند
مانشکینم اگر چه دگرپاره گردیاد
بردارد و به کوه دماوندنمان زند
سر می‌دهیم ز مزمه‌های یگانه را
حتی اگر زمانه دهان‌بندمنان زند